

کتاب الکترونیک تلویزیون

سمت راست، در بازار مکاره کتاب در گورکی (شوروی) هزاران جلد کتاب در مقابل دیدگان مشتریان گسترده است. این بازار مکاره در ۱۹۷۵، یکی از وقایع جالب هفتصد و پنجاهمین سالگرد این شهر بود (که در قدیم نیزنی نووگورود نامیده می شد و به یاد ماکسیم گورکی که در آنجا متولد شده بود، تغییر نام یافت). در ۱۹۷۵ تولید کتاب در شوروی به یک میلیارد نسخه یعنی تقریباً ۱۶ درصد تولید جهانی کتاب رسیده است.

نوشته لئون ای. ولادیمیرف

نشان می دهند که در ۱۹۶۹، اروپا، آمریکای شمالی و شوروی ۷۵ درصد از تولید جهانی کتاب را در دست داشته اند و عمده ترین سهم متعلق به اروپاست که ۴۵ درصد از عناوین منتشر شده مربوط به آنجاست، در حالی که فقط ۱۳ درصد از جمعیت جهان را دارد. بعکس، آسیا، با ۵۶ درصد از جمعیت جهان، تنها واجد ۲۰ درصد از تولید کتاب بوده است. آمریکای لاتین، ۲ درصد (با ۵ درصد از خوانندگان بالقوه جهان) و آفریقا کمتر از ۲ درصد از تولید جهانی کتاب را داشته اند، در حالی که ۱۰ درصد جمعیت در آن نواحی بسر می برند.

از میان بردن کمبود کتاب در این قاره ها، بخش مهمی از هدف کلی محسوب می شود که در جهت از بیل بردن عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی است.

در این شرایط آیا می توان از «غروب» اوراق چاپی و کتاب سخن گفت؟ کاهش تولید کتاب در فرانسه، از ۱۹/۲۸۹ نسخه در ۱۹۶۶ به ۱۸/۶۶۶ نسخه در سال ۱۹۶۸، و از ۱۰/۵۹۳ نسخه به ۸/۸۶۸ در ایتالیا، و افزایش این تولید از ۲۸/۷۸۹ به ۳۱/۳۷۲ نسخه در انگلستان و نیز از ۲۲/۷۲۵ به ۳۰/۲۲۳ نسخه در آلمان را جز آنکه ناشی از اوضاع و احوال اجتماعی بدانیم، چگونه می توان توجیه کرد؟ البته در کشورهای توسعه یافته غرب که انتشار کتاب در آنها به سطح بالایی رسیده است، افزایش تولید سرعتی کمتر دارد تا در کشورهایی که برای رشد اقتصادی کوشش خود را مضاعف کرده اند (مثلاً در کوبا بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ تولید کتاب ۲۵ درصد و در سیلان ۳۰ درصد افزایش داشته است و غیره). معذک حتی در کشورهای پیشرفته انتشار کتاب به حد اکثر خود نرسیده و هنوز تا ارضای خواسته ها راه درازی در پیش است. بقیه در صفحه بعد

خواهد آمد، و انحصار اوراق چاپی بعنوان وسیله انتقال جمعی اطلاعات، دوره خود را گذرانده است.

در واقع، سینما، رادیو، تلویزیون، ضبط صوت کلاسیک، ویدئو، میکروکپی، الکترونیک، سیبیرتیک، و سایر اختراعات مهم قرن ما به قلمرویی یورش برده اند که تا همین اواخر کتاب فرمانروای مطلق آن بود. با آنکه نیاز روز افزون به خبر، افزایش قابل ملاحظه تعداد نشریات از نوع کلاسیک را طلب می کند، در زمان ما، کتابهای بسیار کوچک که از طریق عکس برداری و فتوکپی تولید می شوند، و نیز «کتاب صوتی»، به عنوان مکمل کتاب چاپی با موفقیت توسعه می یابند.

بسیاری کسان در کوششی خود برای تعیین جهت تحول کتاب در زمان ما، بی قید و شرط از کتاب سنتی دفاع می کنند و هر نوع پدیده جدید را نفی می کنند. برخی دیگر مرگ کتاب را در آینده نزدیک پیش بینی کرده اند یا دست کم کاهش قدری اهمیت کتاب و تنزل بازار کتاب را نزدیک می بینند، و غیره. نه آمان حق دارند، نه اینان. آمارهای مکرر که حاکی از افزایش مداوم انتشار کتاب در جهان است، برپیش گوئی های بدبینانه خط بطلان می کشد. برطبق ارقام یونسکو، تولید جهانی کتاب بین سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۶۸، از ۲۸۵/۰۰۰ عنوان به ۴۸۷/۰۰۰ عنوان افزایش یافته است.

با وجود این، تجزیه و تحلیل حجم جمعیت یک منطقه نسبت به نقشی که این جمعیت در تولید کتاب بازی می کند، نشان دهنده اختلافات فاحشی در این زمینه، در جهان است. مثلاً جمعیت شوروی ۶/۸ درصد جمعیت جهان است ولی ۱۵/۶ درصد تولید جهانی کتاب را در دست دارد. تازه ترین ارقامی که یونسکو بدست آورده

مارتین لوتر اصلاح طلب بزرگ گفته بود که چاپ «به تعبیری رهایی دوم نوع بشر است، رهایی از جهل» و سیه یس «Sieyes» عقیده داشت که چاپ «سروشست اروپا را بکلی دگرگون کرده است و تمام کره زمین را تغییر خواهد داد».

در پرتو فن چاپ، تولید جهانی کتاب، قرن به قرن با آهنگی افسانه ای افزایش یافت. اگر در اروپا، طی نیم قرن هنر حروف چینی تا سال ۱۵۰۰، به زحمت ۳۰/۰۰۰ عنوان کتاب بطبع رسید - و این تعداد نسبت به زمانی که کتاب با دست نوشته می شد، فوزی عظیم بشمار می رفت، در قرن شانزدهم این تعداد به ۲۵۰/۰۰۰ رسید. در قرن نوزدهم، تولید کتاب از ۷ میلیون عنوان فراتر رفت. طبق محتاطانه ترین پیش بینی ها، طی قرن بیستم این رقم به ۲۵ میلیون خواهد رسید. در شوروی، تنها در ۱۹۷۰ تعداد نسخه های چاپ شده کتاب (۱/۳۰۹/۶۰۰/۰۰۰) بیش از مجموع کتابهای چاپ شده در اروپا طی ۱۵۰ سال اول چاپ کتاب بوده است.

با توجه به این افزایش برق آساست که برخی از کارشناسان آن را «انفجار» انتشارات نامیده اند. معذک هر چند این امر متضاد بنظر آید، برخی اعلام می کنند که کتاب آخرین مرحله شکوفایی خود را می گذراند، و بزودی بحرانی عمومی در امر انتشار کتاب بوجود

لئون ایوانوویچ ولادیمیرف (L. I. Vladimirov) اهل شوروی، متخصص کتاب و کتابداری، مدیر کتابخانه دانشگاه ویلنیوس (جمهوری لیتوانی) است. او از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۷۰ مدیر کتابخانه دانشگاه هامر شولد در نیویورک بود. لئون ای. ولادیمیرف، دبیر کمیسیون تربیت حرفه ای در فدراسیون بین المللی انجمنهای کتابخانه ها، صاحب مطالعات و بررسی های متعدد درباره تاریخ کتاب و کتابخانه ها و مسائل کتابشناسی است.

«هرگز جریان برق، قدرت برقی را که در واژه چاپی است داران خواهد شد»

کامیابیهای آینده بشر در زمینه تعلیم و تربیت، یکی از عوامل توسعه بازار کتاب است. در حالی که بموجب ارقام یونسکو، از ۲ میلیارد و ۲۲۵ تن بزرگسالان جهان، ۸۰۰ میلیون هنوز بی سوادند، چگونه می توان از اشباع بازار کتاب سخن گفت؟ این بی سوادان در حکم زمین دست نخورده می هستند که باید در آینده بویژه با کتاب در آن پذیر دانش افزایش.

تعداد راههای پخش خبر و فرهنگ، مشخصه قرن ماست. معدنک این فراوانی، باعث ایجاد مسائل وعدم تعادلهایی می گردد، مخصوصاً اگر توسعه یکی از این راهها، باعث «بستن» راههای دیگر باشد.

در اینجا من نمی خواهم درباره ارزش قابل ملاحظه رادیو و تلویزیون بلحاظ فرهنگی، بویژه در کشورهای در حال توسعه تردید کنم. آشکار است که در این سرزمینها، کتاب و مطبوعات نمی توانند پیش از زمانی طولانی، بوسائل ارتباط جمعی مبدل شوند، چرا که گروه عظیمی (۷۵ تا ۹۵ درصد) از اهالی این کشورها بی سوادند. روزنامه، مجله و نیز کتاب فقط می توانند قشر نازکی از روشنفکران را مخاطب قرار دهند. رادیو و تلویزیون است که وسیله ارتباط جمعی محسوب می شوند.

معمداً در این کشورها، با توسعه آموزش مقدماتی و بهبود سطح تقاضا، اهمیت کتاب بیشتر خواهد شد. کتاب پایه یی است که فرهنگ یک ملت بر روی آن بنا می شود. سایر وسایل ارتباط جمعی حتی اگر مثل تلویزیون پیشرو هم باشند، فقط می توانند به تکامل فرهنگی مدد کنند.

ج. ای. مریورگو «J. E. Morpurgo» مدیر انجمن ملی کتاب در انگلستان، در نطقی که در ۱۹۶۸ در برابر شورای عمومی فدراسیون بین المللی انجمنهای کتابداران ایراد کرد، اظهار داشت خطری که «از خارج» کتاب را تهدید می کند، زیاده از حد باعث ناراحتی آن نیست.

«من طی زندگی خود پنج بار شنیدم که می گفتند دوران کتاب بسر آمده است، بار اول هنگامی که سینمای صامت بوجود آمد، بنظر می رسید که بیرون آوردن پیرل وایت Pearl White و تدا بارا Theda Bara از زیسر چرخهای قطار آهن، به آنها زندگی داده و کتاب را کشته است. سپس به صدای دلدیزر پیانو که به زحمت شنیده می شد، صوت هم اضافه گردید و چنین تصور می رفت که هالیوود، تمام دورنمای آینده کتاب را متزلزل کرده است. بعد، هم زمان با فیلم ناطق، رادیو ظاهر شد، اخبار و سرگرمیها به هر خانه راه یافتند، گمان می رفت که این امر، امکان و میل خواندن را کنار

بزند. و در این اواخر، دو رقیب جدی برای کتاب پیدا شد که عبارتند از تلویزیون و سیرنیک...»

ج. ای. مریورگو خاطر نشان می کند که «معدنک کتاب همچنان باقی ماند» چرا؟ چه چیز بما اجازه می دهد بگوئیم که علیرغم توسعه سایر وسایل مؤثر ارتباط فکری، کتاب نه تنها بر جای خواهد ماند و مقام خود را بعنوان «یکی از مهمترین عوامل پیشرفت بشر» حفظ خواهد کرد، بلکه این نقش را در آینده وسعت خواهد داد؟

نخست این امر که هیچ يك از وسایل جدید فنی، قادر نیست بطور کامل جانشین کتاب بعنوان منبع خبر شود. رادیو و تلویزیون را می توان شیوه های «خبری فوری و لحظه یی» نامید، تأثیر آنها بلافاصله پس از ختم برنامه تمام می شود. کتاب يك وسیله خبری ثابت است و در حکم انبار عظیمی است که می توان هر لحظه و به هر مقدار که لازم باشد، از آن بهره جست.

بر اثر تحقیق و تتبع معلوم شده است که امکانات شیوه های مختلف ارتباطی، پرحسب خصیصه و درجه پیچیدگی خبر کاملاً تغییر می کند. وقتی خبر ساده است، در بهترین شرایط از راه شفاهی (از جمله از طریق رادیو و تلویزیون) اخذ می شود. تلفیق صوت و تصویر در عرضه کردن اخبار و اطلاعات مترادف، نتایج بهتری می دهد.

اما هنگامی که خبر بسیار پیچیده است، صفحه چاپ شده همراه با تصویر، مفیدترین وسیله است علاوه بر آن کتاب معمولی به هیچ دستگاه فرستنده یا بازگو کننده یی که برای «کتاب صوتی» یا میکروکتاب لازم است، نیازی ندارد. باید گفت که خواندن، روند جذب خبری است که از شنیدن بمراتب سریعتر تحقق می پذیرد (حتی بی آنکه از شیوه نو قرائت سریع استفاده شود) و بعد جنبه زیبایی شناسی قضیه را هم نباید فراموش کرد. ما از خواندن کتابی که يك اثر پر کیفیت در هنر نویسندگی باشد، چقدر لذت می بریم.

بهبودهای فنی چنان توسعه یی در امر انتشار بوجود آورده اند که از پاره یی جهات بشریت اکنون در وضع شاگرد جادوگر گوته قرار گرفته است که می توانست روح را احضار کند ولی قادر به تسلط بر آن نبود.

کتابخانه ها پیش از همه با این سیل انتشارات که ابعادی فاجعه بار بخود گرفته است و نیز با مسائل پیچیده ناشی از آن درگیر شدند.

از سال ۱۹۴۴، فرمون ریدر Frémont

«Rider»، مدیر کتابخانه دانشگاه وسلی (آمریکا) این خطر را خاطر نشان ساخت: او نوشت «کتابخانه دانشگاه ییل در سال ۲۰۴۰، نزدیک به ۲۰۰ میلیون جلد کتاب خواهد داشت که به بیش از ۱۰۰۰۰ کیلومتر قفسه احتیاج دارد. اگر قرار باشد همین شیوه فهرست بندی ادامه یابد، ۷۵۰۰۰۰ برگردان برای جادادن کارتها لازم است که سطحی بیش از ۳۲ هکتار را اشتغال خواهد کرد. هر سال ۱۲ میلیون جلد کتاب به آنجا وارد خواهد شد و ثبت آنها کار يك عمده ۶۰۰۰ نفری است.»

البته ریدر کمی اغراق کرده است، ولی مسئله در خورمداقه است، حتی اگر سرعت توسعه مخازن نصف این مقدار باشد. تنها راه حل ریدر، شیوه میکروکپی است. امروزه استفاده از میکروکپی در کتابخانه ها کاملاً متداول است. تمام مخزن مطبوعاتی کتابخانه داگ هارشلولد (نیویورک) از میکروفیلم تشکیل شده است و در ۱۹۶۹ تهیه میکروکپی از اسناد سازمان ملل شروع شد.

اغلب کتابخانه های علمی و تخصصی نیز از روش میکروکتاب استفاده می کنند. این امر مشکل اساسی جارا حل می کند، مدت حیات انتشاراتی را که روی کاغذ عادی چاپ شده اند، می افزاید، امکان می دهد که مخازن را با انتشارات منحصر بفرد کامل کرد، هزینه ارسال را برای اشتراك بین کتابخانه ها تقلیل می دهد و بسیاری مزایای دیگر همراه دارد.

معدنک اعتقاد عمیق بر آنست که «جمعیت اضافی» دنیای کتاب و مخازن کتابخانه ها «مسئله شماره يك» محسوب نمی شود بلکه اشکال عمده در آن است که بشریت از اخبار علمی و فنی اشباع شده است. الکساندرن. نسیمانف Nes «meyanov» عضو فرهنگستان شوروی، با آوردن مثالی از شیمی، تمام پیچیدگی مسئله توسعه اخبار و اطلاعات را به نحوی قانع کننده به اثبات رسانده است. «برطبق اطلاعات تقریبی، بنظر می رسد در جهان بیش از ۱۰۰۰۰ نوع مجله وجود دارد که بکار شیمی دانان می آید. هر سال این مجلات دست کم ۲۰۰۰۰۰ مقاله درباره شیمی یا تکنولوژی مخصوص این رشته منتشر می کنند. علاوه بر آن در جهان ۵۰۰۰ کتاب و بیش از ۳۰۰۰۰ جزوه منتشر می شود که نزدیک به ۲۰۰۰۰ آن جزوه های علمی و فنی است که دست کم تاحدی با شیمی ارتباط دارد... اگر يك شیمی دان در اول ژانویه شروع به خواندن تمام نشریاتی کند که طی سال بطبع می رسند و از نظر کارو جرفه برای او جالبند، در روز ۳۱ دسامبر، فقط يك بیستم مجموع این انتشارات را خوانده است.»



Photo © André Kertész, New York

آرایش قفسه‌های کتابخانه‌های عمومی، تکثیر این نوع کتابخانه‌ها و بهبود تشکیلات آنها، شرایط اساسی برای قراردادن کتاب در اختیار همگان است، در این زمینه یونسکو از افزودن بر کوشش خود طی بیست و پنج سال گذشته دریغ نکرده است: بورسهای مطالعاتی، تشکیل سمینارها و دوره‌های آموزشی، ایجاد مراکز اطلاعاتی در داکار (سنگال) و کامپالا (اوگاندا)، ایجاد مؤسسات نمونه مثل کتابخانه عمومی دهلی (هند) و نیچریه وساحل عاج و کلمبیا. در عکس بالا ژولین کن «Julien Cain» رئیس کمیته ملی سال بین‌المللی کتاب در فرانسه و رئیس کمیسیون ملی یونسکو در آن کشور که مدت ۳۴ سال مدیر کل کتابخانه ملی پاریس بود، در دفتر کار خود دیده می‌شود.

کتاب سنتی همچنان نقشی مهم در روند تکنولوژیک این «کارگاههای خبری» بازی خواهند کرد. اما در کتابخانه‌های فرهنگی و آموزشی، یقیناً کتاب مثل گذشته نقشی تعیین کننده خواهد داشت.

در اثری پرشور علیه بدبینانی که گمان می‌برند دوران پیشرفت فنون بزودی، بمرکز کتاب خاتمه خواهد داد، استفان زوایک چنین نوشت: «تاکنون هیچ منبع انرژی نتوانسته است توری قابل قیاس با آنچه گاه از یک جلد کتاب کوچک ساطع می‌شود، ایجاد کند و هرگز جریان برق قدرت برقی را که در واژه چاپی است، دارا نخواهد شد. نیرویی که همواره تازگی دارد، فناپذیر و خارج از زمان است، متراکم‌ترین نحو و کاملترین و متنوعترین اشکال را دارد، کتاب است. به این ترتیب آیا کتاب باید از فن بترسد؟ آیا به کمک همین کتاب هانیست که فن پیشرفت می‌کند و توسعه می‌یابد؟ در همه‌جا کتاب، القابومنیع اصلی همه دانشهاست.»

میزهای کوچکی با تکه‌های فرمان دارد و دیکتافونهایی برای گرفتن سفارش اسناد و اخبار، و دستگاههای ارسال پیام برای رساندن اسناد و اخبار به میز کوچک خواننده، پرده‌های انفرادی بادیکتافونهای الکترونیکی که امکان می‌دهند خواننده از محتویات اسناد مطلع شود، و حتی اگر خواننده با زبان این اسناد آشنا نباشد، تکه‌هایی برای ترجمه فوری در اختیار خواهد داشت.

برحسب این نوع پیشرها، کتابخانه‌های آینده باید با کتابخانه‌های امروزی فرق داشته باشند. اساس اعتبار آنها، بعقیده دارندگان چنین پیشی، شناسایی ماشین‌ها خواهد بود. حال آنکه مسئله عمده کتابداران کنونی، شناختن کتاب، بررسی نیازهای خوانندگان و پاسخ به این نیازهاست.

در کتابخانه‌های علمی و تخصصی، جای شك نیست که کتابهای سنتی تاحدی جای خود را به سایر منابع خبری خواهند داد. معدلك

فقط ماشینهای حسابگر می‌توانند مسائل بسیار پیچیده ناشی از سازمان دهی کتابخانه‌ها را حل کنند. تجربه شخص من بعنوان مدیر کتابخانه سازمان ملل متحد، در نیویورک مرا در این اعتقاد راسخ‌تر ساخت که فقط به کمک ماشینهای حسابگر می‌توان مسئله فهرست‌بندی اسناد و انتشارات سازمان ملل متحد را که تا آن زمان لاینحل مانده بود، حل کرد.

معمداً پس از آنکه متوجه قدرت و امکانات فن الکترونیک شدم، دیگر نمی‌توانم موافق با عقیده کسانی باشم که از واقعیت بکلی دورند و اعلام می‌کنند که کتابخانه‌های آینده، کتابخانه‌هایی بدون کتاب و حتی بدون کتابدار خواهند بود.

مثلاً می‌گویند که این کتابخانه‌ها مملو از مراجعه کننده خواهند بود و نه پر از کتاب، چرا که کتاب به شکل سنتی خود باقی نخواهد ماند. یائینکه آنها بصورت آزمایشگاههایی در خواهند آمد که بجای میز قرائت،